

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۱۶

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی
سال هشتم، شماره ۳۱، زمستان ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۱۸

روایات قیام به شمشیر امام زمان علیه السلام در کشاکش خوانش حقیقی یا تأویلی بودن

عبدالله میراحمدی^۱

فاطمه میرابوطالبی^۲

چکیده

برپایی حکومت الهی در سراسر جهان از شاخص‌ترین اهداف قیام امام زمان علیه السلام به شمار می‌آید؛ در این میان، برخی ستمگران و معاندان خونریز در برابر حرکت الهی و اصلاح‌گرایانه ایشان ایستادگی و مقابله می‌کنند؛ از این رو امام زمان علیه السلام به ناچار جهت تحقق اهداف والای الهی خویش به مبارزه با آنان می‌پردازد. در روایات، شمشیر به عنوان یگانه ابزار نبرد آن حضرت با معاندان معرفی شده است. در این میان، اندیشمندان پیرامون این ابزار به دو دیدگاه قائلند: برخی با تکیه بر سیره نبوی و جنبه‌های اعجازین، بر حقیقی بودن معنای شمشیر باور دارند. در مقابل، گروهی با توجه به نیازمندی به ابزار مدرن در عصر حاضر، بر معنای غیرظاهری روایات باور داشته و شمشیر را به عنوان نمادی از قیام مسلحانه قلمداد می‌کنند. طرفداران هر دو دیدگاه در اثبات نظر خویش به ادله عقلی و نقلی استناد می‌کنند که در این پژوهش به بررسی و تحلیل هر یک پرداخته خواهد شد. با توجه به این که شناخت آینده و آخرالزمان منحصر در روایاتی است که از ائمه علیهم السلام به ما رسیده است، می‌بایست در این مسئله با استفاده از خود روایات و اصول عقلی غیرقابل تردید به تنقیح بهتر موضوع به روش توصیفی تحلیلی پرداخت.

واژگان کلیدی

امام زمان علیه السلام، قیام به شمشیر، دیدگاه حقیقی بودن، دیدگاه تأویلی بودن.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه خوارزمی (mirahmadi_a@khu.ac.ir).

۲. دانش‌پژوه سطح چهار حوزه علمیه رفیعة المصطفی تهران (fm.abotalebi@gmail.com).

آمدن آخرین وصی و منجی بشراتی است که همهٔ ادیان بدان باور دارند. در این میان، حکومت الهی با محوریت اسلام ناب توسط امام زمان علیه السلام محقق خواهد شد؛ حکومتی که مبتنی بر شاخص‌های فضیلت‌محور و دادگستر بوده و بر تمامی دنیا مستولی خواهد شد. با توجه به این که هدف والای حضرت برپایی حکومت الهی در سراسر گیتی است، به طور طبیعی در تحقق این هدف با موانع و کارشکنی‌هایی مواجهه خواهد شد. امام با تلاش بی‌وقفه و با بهره از یاران مخلص، تا حد امکان به روشنگری و هدایت افراد اقدام می‌کند؛ چنان‌که غالب جامعه جهانی که از فطرت‌های پاک برخوردارند، مشتاقانه دعوت ایشان را لبیک می‌گویند. در این میان، ستمگران و جنایتکاران خونریزی که بر کج‌روی‌ها و بیدادگیری‌ها پافشاری می‌ورزند، با بهره از تمامی امکانات و قدرت‌ها در مقابل حرکت اصلاح‌گرا نهضت امام، ایستادگی می‌کنند. از این رو امام جهت برقراری حکومت عدل جهانی ناگزیر به جنگ خواهد شد. بر این اساس قیام امام مهدی علیه السلام نسبت به اکثریت جامعه مسالمت‌آمیز و مبتنی بر پذیرش عمومی است. در مقابل، نسبت به افراد معاند و لجوج که درصدی از بین بردن دین الهی‌اند، با صلابت و به صورت قیام مسلحانه است؛ از این روی نباید هم چون شبهه‌افکنان، قیام امام زمان علیه السلام را قیامی آمیخته به خون‌ریزی و خشونت طلبی متهم کرد.

حال پیرامون نحوهٔ استیلای امام مهدی علیه السلام بر معاندان و سلاح و جنگ‌افزارهای ایشان در روایات از شمشیر یاد شده است. پرسش این‌جاست که امام چگونه قیام خواهند کرد؟ و چگونه بر دشمنان فائق خواهند آمد؟ آیا از ابزار روز و مدرن استفاده خواهند کرد؟ آیا می‌توان تصور کرد امام با شمشیر به میدان نبرد آیند، در حالی که سلاح‌های کشتار جمعی هر روز مدرن‌تر می‌شوند؟ به بیان دیگر، آیا در عصر تکنولوژی شمشیر جایگاه و کاربردی خواهد داشت؟

شاید تصور شود از آن‌جا که شناخت دقیقی از آن دوران نداریم شناخت سلاح و تعیین دقیق نوع آن برای ما غیرممکن است، اما با گنجینه‌ای از روایات و اصول کلی عقلی می‌توان در این راه قدم برداشت.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در روایات، یگانه ابزار و سلاح آن حضرت هنگام قیام، شمشیر معرفی شده است. برخی معتقدند این شمشیر بر معنای حقیقی حمل می‌شود و برخی برای آن معنای کنایی در نظر می‌گیرند. دسته اول منظور از قیام به شمشیر را در روایات بر همان معنای حقیقی حمل می‌کنند، چرا که در روایات خود شمشیر موضوعیت دارد و تداعی‌کننده عدالت در

مبارزه و هم‌چنین نشانی از سیره پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام در قیام به همراه دارد. اما دسته دوم شمشیر را به عنوان نمادی از قیام مسلحانه در نظر گرفته و معتقدند جنگ با ابزار نوین محقق خواهد شد.

قائلان به حمل شمشیر بر معنای حقیقی

این دسته بر این باورند که سلاح حضرت همان‌طور که روایات به آن تصریح دارد؛ شمشیر است و برای اثبات مدعای خویش استدلال‌هایی را بیان می‌کنند که به بررسی آنها پرداخته خواهد شد.

۱. عادلانه بودن

یکی از مواردی که به آن استدلال می‌شود مسئله عدالتی است که در نبرد باید رعایت شود. بر مبنای عدالت ضرورت دارد از یک سو ستمکاران مجازات شوند و از سوی دیگر حقوق دیگران ضایع نشود. در این میان، حکومتی که منجی طلایه‌دار آن است بر پایه عدل و داد بنا خواهد شد. بنابراین سلاحی که برای غلبه بر ستمگران به کار گرفته می‌شود می‌بایست به نحوی باشد که بی‌گناهان از گزند آن مصون بمانند.

در نبرد تن به تن با شمشیر به حقوق دیگران تجاوز نخواهد شد و فرد معاند به سزای عملش خواهد رسید. برخلاف سلاح‌های کشتار جمعی که گناهکار و بی‌گناه و حتی حیوانات، گیاهان و عالم طبیعت را تحت تأثیر قرار می‌دهد و امنیت آنها را تهدید می‌کند. بنابراین عدالتی که در شمشیر نهفته است در دیگر سلاح‌ها وجود ندارد و این امر با رهبر آسمانی و عدالت‌گستر همخوانی بیشتری دارد.

با مراجعه به سیره اهل بیت علیهم‌السلام تناسب عدالت با نبرد با شمشیر را می‌توان مشاهده کرد؛ چنان‌که در قبضه یکی از شمشیرهای پیامبر خدا ﷺ نوشته شده است:

صَلِّ مَنْ قَطَعَكَ، وَقُلِ الْحَقُّ وَلَوْ عَلَى نَفْسِكَ، وَاحْسِنِ إِلَى مَنْ اسَاءَ إِلَيْكَ؛

با کسی که با تو قطع رابطه کرده، ارتباط برقرار کن و حق را بگو گرچه به زیان خودت باشد، بدی دیگران را به نیکی تلافی کن. (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۷۲)

از سوی دیگر، زمانی نبرد عادلانه است که ابزار هر دو طرف یکی باشد. در روایات بیان شده که سلاح دشمنان که رو در روی امام می‌ایستند نیز شمشیر است:

... فَلَا يَأْخُذُ مِنْهَا إِلَّا السَّيْفُ وَلَا يُعْطِيهَا إِلَّا السَّيْفُ ... (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۳۳؛
مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۳۵۴)

واکاوی‌ها نشان می‌دهد که برای قیام به شمشیر احتمال دیگری نیز وجود دارد. به این بیان که منظور از آن را اقامه حدود، قصاص و اجرای قوانین دقیق جزائی اسلام در نظر بگیریم. به بیان دیگر، شمشیر نه تنها در جنگ بلکه در جهت اجرای قوانین و بازستانی حق مظلومان کارکرد دارد؛ از این روست که در روایات، خیر همراه با شمشیر معرفی شده است. در حکمتی از امام علی علیه السلام چنین آمده است:

الخير كله في السيف وما قام هذا الدين إلا بالسيف أتعلمون ما معنى قوله تعالى: ﴿وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ﴾ هذا هو السيف. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق: ج ۲۰، ۳۰۸)

در روایتی از امام صادق علیه السلام نیز چنین نقل شده است:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ بَعَثَ رَسُولَهُ بِالْإِسْلَامِ إِلَى النَّاسِ عَشْرِينَ مِائَةً فَأَتَوْا أَنْ يَقْبَلُوا حَتَّى أَمَرَهُ
بِالْقِتَالِ فَالْحَيْرُ فِي السَّيْفِ وَتَحْتَ السَّيْفِ وَالْأَمْرُ يُعُودُ كَمَا بَدَأَ. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ۷)

کلمه شمشیر معنای جنگ و خونریزی و ویرانی را به ذهن متبادر می‌کند؛ در حالی که روی دیگر آن، عدل و احقاق حق مظلومان است و باید توجه داشت همواره ضمانت اجرایی با قدرت و شمشیر فراهم می‌شود. قیام به شمشیر یعنی به کار بردن شمشیر تا متجاوزان به حقوق دیگران مجازات شوند و شمشیر برای مجرمان قدرت بازدارندگی داشته باشد. براساس این بیان شمشیر ضامن اجرای احکام و قوانین است نه یک ابزار و سلاح جنگی.

نکته دیگری که معنای حقیقی را تقویت می‌کند توجه به این نکته است که همین ابزار ساده، اما به شکلی اعجازگونه در خدمت حضرت قرار گیرد. برخی بر این باورند اگر چه حضرت با شمشیر قیام می‌کند، خداوند در آن شمشیر قدرت و اعجازی نهفته است که تمام سلاح‌های موجود را مقهور نیروی خود می‌سازد. (سلیمیان، ۱۳۹۲: ۲۹۲) چنان که در روایتی از امام رضا علیه السلام از دو علامت و نشانه (یعنی باز شدن پرچم و نطق او) برای قیام امام زمان علیه السلام یاد شده است و در کنار آن از شمشیری غلاف‌شده نام برده‌اند که به اذن الهی به سخن آید و می‌گوید: ای ولی خدا به پا خیز که دیگر برای تو جایز نیست از پیکار با دشمنان خدا باز ایستی:

... وَ لَهُ رَايَتَانِ وَ عَلَمَتَانِ وَ لَهُ سَيْفٌ مُعَمَّدٌ فَإِذَا حَانَ وَفَتْ خُرُوجِهِ افْتَلَعَ ذَلِكَ السَّيْفُ مِنْ عِمْدِهِ وَ أَنْطَقَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَنَادَاةَ السَّيْفِ اخْرُجْ يَا وَلِيَّ اللَّهِ فَلَا يَحِلُّ لَكَ أَنْ تَفْعَدَ عَنْ

أَعْدَاءِ اللَّهِ... (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق: ج ۱، ۶۳؛ همو، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۶۸).

محققان توجیهات دیگری در حقیقی بودن معنای شمشیر کرده‌اند که به نوعی از آنها عادلانه بودن قیام حضرت مهدی علیه السلام قابل برداشت است. از نظر برخی پژوهشگران، خداوند در عصر ظهور، تمام تسلیحات پیشرفته را از کار انداخته، مردم به ناگزیر در جنگ، از همان سلاح‌های ابتدایی (یعنی شمشیر و مانند آن) استفاده می‌کنند؛ بنابراین حضرت مهدی علیه السلام با همان شمشیر می‌جنگد. برخی نیز بر این باورند که همه اسلحه‌ها در اختیار حضرت قرار می‌گیرد؛ ولی از آن جا که استفاده از آنها به ناگزیر ستمگرانه نیز خواهد بود، حضرت فقط از سلاح شمشیر بهره خواهد برد. گروهی نیز معتقدند به سبب جنگ‌های خونین فراوانی که در آستانه ظهور به وقوع می‌پیوندد، تمام سلاح‌های پیشرفته از بین خواهد رفت و از آن پس در جنگ فقط از ابزارهای ساده استفاده می‌شود. (سلیمیان، ۱۳۹۲: ۲۹۲)

۲. همسانی با سیره نبوی و متداول شدن شمشیر

یکی دیگر از دلایل این گروه روایاتی است که بر مشابهت سیره مبارزاتی حضرت مهدی علیه السلام با سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تصریح دارند. چنان‌که در روایتی از امام باقر علیه السلام یکی از شبهات‌های پنج‌گانه امام زمان علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله خارج شدن ایشان به وسیله شمشیر و کشتن دشمنان خدا معرفی شده است:

... إِنَّ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ شَهَابًا مِنْ خَمْسَةِ مِنَ الرُّسُلِ... وَأَمَّا شَهَابُهُ مِنْ جَدِّهِ الْمُصْطَفَى صلی الله علیه و آله فَخُرُوجُهُ بِالسَّيْفِ وَقَتْلُهُ أَعْدَاءَ اللَّهِ وَأَعْدَاءَ رَسُولِهِ صلی الله علیه و آله وَالْجَبَّارِينَ وَالطَّوَاعِيَةَ وَأَنَّهُ يُنْصَرُّ بِالسَّيْفِ وَالرُّعْبِ... (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۳۲۷؛ اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۵۲۳).

هم چنین در روایتی از امام صادق علیه السلام در مورد سیره امام زمان علیه السلام سؤال شد و ایشان این‌گونه پاسخ دادند:

... يَصْنَعُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَيَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيدًا؛

چنان می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتار می‌کرد. آن چه پیش از او بوده همه را ویران می‌کند، همان‌گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله شالوده دوران جاهلیت را ویران ساخت و اسلام را از نو آغاز می‌کند. (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۳۱؛ حر عاملی، ۱۴۲۵ق: ج ۵، ۱۶۱)

نکته قابل تأمل در روایت فوق این است که آیا همسانی به معنای شباهت کامل در تمام جزئیات می‌باشد و یا پیروی در سیره به معنای الگو بودن و تبعیت در کارکردها و اهداف مدنظر روایات است؟ بسیار روشن است که اهداف الهی امام زمان علیه السلام هم چون پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و با روشی نرم و دعوتی روشنگرانه به هدایت جامعه جهانی می‌پردازد. هر چند فضا و فرهنگ حاکم بر عصر ظهور به دلیل پیچیدگی و تنوع سبک زندگی انسان‌ها، بسیار متفاوت‌تر از زمانه پیامبر صلی الله علیه و آله است. افزون بر این، دشمنان امام زمان علیه السلام نیز با تمام نیرو و بهره‌گیری از امکانات مدرن در مقابل ایشان صف‌آرایی می‌کنند. حال برای این که کاربرد شمشیر از نظر عقلی موجه جلوه کند می‌توان دو احتمال را در نظر گرفت: اول این که در اثر جنگ‌ها سلاح‌ها به کلی از بین برود. احتمال دیگر مبنی بر این که خود حاکمان با یک توافق آنها را نابود کرده و یا کنار بگذارند.

همان‌طور که در روایات هم آمده است، امام زمان علیه السلام با همان شمشیر، قیام خواهد کرد؛ ولی این قیام زمانی خواهد بود که منابع انرژی هم چون نفت، گاز و دیگر ذخایر آن پایان یافته باشد و استفاده از ابزارها و اختراعاتی که متکی به این انرژی‌ها هستند، ناممکن شود. در این حال، بشر به همان وضع نخستین بازمی‌گردد و آن‌گاه تسلط بر قدرت‌های جهان خوار با شمشیر، چندان دور از ذهن نخواهد بود. (حیدری کاشانی، ۱۳۸۹: ۲۴۰-۲۷۰) در این حالت متداول شدن شمشیر دور از ذهن نخواهد بود. از سوی دیگر، امروزه گروه ویژه‌ای از پلیس با اسب و سایر تجهیزات برای سرکوب اعتراضات و غیره استفاده می‌شود. این امر معنای حقیقی شمشیر را به ذهن نزدیک می‌نماید.

۳. اراده الهی

وقتی سخن از وعده الهی است حتمیت و قطعیت قرین آن خواهد بود و دیگر جایی برای محاسبات انسانی باقی نمی‌ماند. شواهد قرآنی و تاریخی مملو از این اراده‌هاست؛ چنان‌که با یک ابزار ساده پیروزی جبهه حق، محقق خواهد شد؛ مانند حفظ جان رسول خدا صلی الله علیه و آله با تار عنکبوت. افزون بر این که بسیاری از شواهد تاریخی حاکی از آن است که پیروزی برخلاف تصور انسان‌ها متعلق به گروه اکثریت نیست؛ چنان‌که در جنگ بدر تعداد نفرات و تجهیزات جنگی دشمنان قابل مقایسه با مسلمانان نبود و شکست جبهه حق با محاسبات مادی قطعی به نظر می‌رسید. نکته مهم قدرت ایمان مسلمانان و اراده پولادین آنها بود که دشمنان را شگفت زده

و غافلگیر می‌کرد. در این میان، آیه «قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةَ كَثِيرَةٍ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۲۴۹) به خوبی نشان می‌دهد کسانی که ایمان راسخ به روز رستاخیز داشتند به بقیه هشدار دادند که نباید به کمیت جمعیت نگاه کرد، بلکه باید کیفیت را در نظر گرفت، زیرا بسیار شده که جمعیت کم از نظر نفرات، اما با کیفیتی بالا از جهت ایمان و اراده و تصمیم و متکی به عنایات الهی به اذن الهی بر جمعیت‌های انبوه پیروز شدند. بنابراین عوامل غیرمادی سرنوشت جنگ را به نفع مسلمانان تغییر داد و پیروزی جبهه حق محقق شد.

در دو آیه تصریح شده که اراده الهی بر استیلا و برتری اسلام در سراسر جهان تعلق گرفته است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه: ۳۳؛ صف: ۹) از نظر مفسران، منظور از «دین حق»، دین اسلام و عقاید و احکام آنست که با واقع و حق انطباق دارد. هم‌چنین ضمیری که در «لیظهره» است به دین حق برمی‌گردد و متبادر از سیاق آیه نیز همین است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۹، ۳۲۹)

از آن جا که ایمان امری قلبی است و با زور و اجبار سازگار نیست و از سوی دیگر، روایتی که اشاره دارد اهل کتاب در زمان ظهور جزیه می‌دهند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۷۶) مهر تأییدی بر این مطلب خواهد بود که جمله «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» به معنای حاکمیت و سیطره اسلام است، نه مسلمان شدن تک افراد. حال آن که مشرکان در پی آنند تا در مقابل این اراده الهی، بایستند. قرآن کار سست و پوشالی آنها را به فوت کردن برای از بین بردن نور خدا تعبیر می‌کند:

«يُرِيدُونَ أَن يُضْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ...» (توبه: ۳۲).

۴. امداد الهی

براساس روایات، امداد غیبی و نصرت الهی، سلاحی در خدمت حضرت می‌باشد. در این میان، امام مهدی علیه السلام مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با تأییدات غیبی مانند ایجاد پایداری در دل مؤمنان و القای رعب و ترس در دل کافران یاری می‌شود؛ چنان که براساس آیات قرآن، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در جنگ‌های خود مانند جنگ بدر و احزاب، مؤید به این ابزارها بود و بر دشمنان پیروز شد؛ چنان که اهل کتاب که به پشتیبانی یهود در قلعه‌های محکم بودند، به خاطر ترسی که در دل‌شان افتاد تسلیم شدند: «وَ أَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صِيَاصِيهِمْ وَ

قَدَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَ تَأْسِرُونَ فَرِيقًا﴾ (احزاب: ۲۶) در باب شباهت سیره حضرت با رسول اکرم ﷺ از امام باقر علیه السلام چنین نقل شده است:

مهدی علیه السلام از این جهت با جدش شباهت دارد که با شمشیر قیام می‌کند و ستمکاران و گمراه‌کنندگان و دشمنان خدا و رسول را به قتل می‌رساند. با شمشیر و ترس، نصرت می‌یابد و هیچ‌یک از پرچم‌هایش شکست خورده بر نمی‌گردد. (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۳۲۷: اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۵۲۳)

در روایتی دیگر از امام باقر علیه السلام چنین نقل شده است که:

قائم ما با رعب [افکننده در دل دشمنان] نصرت می‌یابد و با نصرتی که زمین با آن رام شده، تأیید می‌شود. (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۳۳۱: طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۴۶۳)

هم‌چنین در حدیثی از امام صادق علیه السلام در وصف پرچم آن حضرت چنین آمده است:

رعب به اندازه یک ماه راه، جلو و یک ماه، عقب سر و یک ماه از طرف راست و یک ماه از طرف چپ آن پرچم، سیر می‌کند. (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۰۸: حر عاملی، ۱۴۲۵ق: ج ۵، ۱۶۸)

بنابراین، ترس به عنوان عاملی بازدارنده و مدد رسان جبهه حق در روایات معرفی شده است؛ از این رو تجهیز نیرو، قدرت بازدارندگی در مقابل دشمنان احتمالی را بالا خواهد برد. در حقیقت به اذن الهی تمام کائنات همه در خدمت حضرت خواهند بود؛ چنان‌که یکی از نشانه‌های ظهور خسف بیداء است. براساس روایات، لشکری که سفیانی پس از جنایت‌های بی‌شمار برای مقابله با حضرت می‌فرستد، هنگام عبور از منطقه بیداء به دل زمین فرو رفته و نابود می‌شود که بدون تردید دشمنان را دچار حیرت و سرگردانی خواهد کرد. (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۱، ۲۴۵: نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۸۰) هم‌چنین در روایتی تفسیری از امام صادق علیه السلام ذیل آیه شریفه ﴿أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ﴾ (نحل: ۱) چنین نقل شده است: امر خدا همان امر ماست که پروردگار فرموده است که در آن باره شتاب نشود تا آنکه خداوند او را به سه لشکر یاری فرماید:

فرشتگان و مؤمنان و رعب. خروج آن حضرت نیز مانند خروج رسول خداست؛ آن‌جا که خداوند می‌فرماید: ﴿كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ﴾ (انفال: ۵): هم‌چنان‌که پروردگارت تو را از خانه‌ات به حق و راستی بیرون آورد. (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۲۸)

براساس روایاتی طولانی از امام باقر علیه السلام، سپاهی از رعب حضرت مهدی علیه السلام را یاری می‌کند

ترسی که یک ماه پیشاپیش لشکر حضرت در حرکت است. افزون بر آن، سپاهی از فرشتگان امام را یاری خواهند کرد:

لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام لَنَصَرَهُ اللَّهُ بِأَلْمَلَائِكَةِ الْمُسَوِّمِينَ وَالْمُرْدِفِينَ وَالْمُنْزِلِينَ وَالْكَرُوبِيِّينَ يَكُونُ جَبْرَائِيلُ أَمَامَهُ وَمِيكَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَإِسْرَافِيلُ عَنْ يَسَارِهِ وَالرُّعْبُ بِسِيرِ مَسِيرَةِ شَهْرٍ أَمَامَهُ وَخَلْفَهُ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَالْمَلَائِكَةُ الْمُتَقَرَّبُونَ حِذَاهُ أَوَّلُ مَنْ يَتَّبِعُهُ مُحَمَّدٌ عليه السلام وَعَلَى عليه السلام الثَّانِي وَمَعَهُ سَيْفٌ مُخْتَرَطٌ... (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۳۵).

از سوی دیگر، میراث پیامبران گذشته نیز در خدمت حضرت می باشد. در این میان، آمدن مسیح عليه السلام تأثیر زیادی در پذیرش عمومی دعوت ایشان خواهد داشت؛ چنان که بر اساس روایات، مسیح به زمین فرود می آید و به امام در نماز اقتدا می کند و بدین سان سیل عظیمی از مردم به ایشان می پیوندند. هم چنین حضرت، تورات و سایر کتب آسمانی را از غاری در انطاکیه بیرون می آورد و میان یهود، با تورات و میان مسیحیان با انجیل و میان پیروان حضرت داود عليه السلام با زبور و میان مسلمانان با قرآن حکم می کند. (همان: ۳۳۵)

در حقیقت در هنگامه ظهور، انسان ها از برقراری عدالت با نسخه بشری ناامید شده و به اضطرار رسیده اند. در این میان، با دیدن حکومت الهی دسته دسته و فوج فوج به آن روی می آورند. از سوی دیگر، رویدادهایی چون نزول مسیح عليه السلام و بیرون آمدن الواح تورات و انجیل، امر پذیرش دعوت را تسهیل می سازد.

۵. رشد فکری و علمی

دوران ظهور امام زمان عليه السلام، دوران رشد عقل و معرفت بشر است. در برخی روایات آمده که امام زمان عليه السلام به رشد عقلی مردم می پردازند و امام با این امر، مردم را آماده پذیرش حکومت جهانی می کند و آنان را به فرهنگ و تمدن اسلام فرا می خواند. در روایتی از امام باقر عليه السلام چنین نقل شده است:

آن گاه که قائم ما قیام کند، خداوند دست رحمت بر سر بندگان می گذارد و به وسیله او، خرد و اندیشه های انسانی کامل می شود. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۲۵)

با وجود شکوفایی دانش در عصر ظهور، نمی توان این شکوفایی و پیشرفت را در تمامی زمینه ها از جمله پیشرفت در صنایع جنگی تلقی کرد؛ چرا که حکومت مهدوی بر مبنای اهداف الهی و مبتنی بر صلح و عدالت است و از استثمار و تسلط بر منابع اکثریت جامعه مبرا است. حال آنکه جوهره حاکم بر پیشرفت در صنایع جنگی و ساخت ابزار مدرن و فوق مدرن، چیزی جز

منفعت طلبی و سیطره بر مردمان و به‌ویژه مستضعفان نیست. امام زمان علیه السلام بر خلاف جبّاران و ستمگران، ضمن تأیید به‌وسیلهٔ امدادهای غیبی، با درایت و فرماندهی خویش که از علم لایزال الهی سرچشمه گرفته است، دشمنان را مقهور خود می‌سازد.

بنابراین پیرامون روایاتی که بیانگر رشد علم در زمان ظهور است می‌توان گفت هم‌چنان‌که هر پیامبری معجزه‌ای متناسب با زمان خودش به همراه داشته است، حضرت نیز با اعجاز علمی یاری می‌شوند؛ هم‌چنان‌که رشد سریع و شگفت‌آور علم در زمان ظهور نوید داده شده است. آیهٔ «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ» (ابراهیم: ۴) بر این استدلال اشاره دارد. بر این اساس، در عصر ظهور، دنیای علم و فناوری دیدگان را خیره می‌سازد و عقل را در حیرت فرو می‌برد. در چنین وضعی بهترین وسیله اتمام حجت و مبارزه، همان راه علم است. از این روست که امام زین‌العابدین علیه السلام در یک بیان رمزگونه در توصیف زمان ظهور می‌فرمایند:

دانش بیست و هفت حرف است و همهٔ آن چه را که فرستادگان پیشین آورده‌اند، دو حرف بیشتر نبوده است؛ بنابراین، مردم تا به امروز، چیزی بیش از این دو حرف را نمی‌دانند؛ اما وقتی قائم آل محمد صلی الله علیه و آله قیام فرماید، بیست و پنج حرف دیگر را او هویدا خواهد ساخت و آن را در میان مردم گسترش می‌دهد و دو حرف پیشین را هم ضمیمه می‌سازد تا دروازه‌های دانش کاملاً گشوده شود و همهٔ بیست و هفت حرف آشکار شود. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۳۳۶)

۶. برتری در جبهه فرهنگی مقدمه برتری در جنگ نظامی

از شاخص‌ترین مؤلفه‌های برتری در قیام امام زمان علیه السلام، پذیرش عمومی است که در پرتو رشد فکری محقق می‌شود. از روایات، چنین استفاده می‌شود که امام مهدی صلی الله علیه و آله ابتدا، مردم را به سوی حق دعوت می‌کند و پیش از آغاز هر جنگی، به معرّفی دین حق برای دشمنان می‌پردازد و فرصت انتخاب میان حق و باطل را به آنان می‌دهد و تنها پس از اتمام حجت بر دشمنان و در پی عناد و مقابلهٔ آنان، از قدرت شمشیر استفاده می‌کند. در روایات فراوانی به همگانی بودن دعوت امام زمان علیه السلام و فراخوان عمومی ایشان اشاره شده است؛ چنان‌که از امام صادق علیه السلام در توصیف سپاهیان حضرت مهدی صلی الله علیه و آله چنین نقل شده است که بر اهل هیچ آیینی وارد نمی‌شوند، مگر این‌که آنها را به خداوند، اسلام، اقرار به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله، توحید و ولایت ما اهل بیت دعوت می‌کنند. پس هر که دعوت آنها را اجابت نماید و مسلمان شود، رها می‌کنند. (حلی، ۱۴۲۱ق: ۷۰؛ بحرانی، ۱۳۷۴: ج ۱، ۱۱۰)

در مقابل تلاش بی‌وقفه امام زمان علیه السلام و یاران ایشان در دعوت و ارشاد انسان‌ها، معاندان و مخالفانی با این‌که حق را می‌شناسند از آن پیروی نکرده و به ستمکاری و کردار ناپاکارانه خود پافشاری می‌کنند. از آن‌جا که وجود چنین کسانی، مانع از گسترش عدالت و حق‌طلبی و سبب ایجاد تزلزل در جبهه حق می‌شود، مبارزه با آنها ضروری بوده تا ریشه فساد و اسباب گمراهی و تباهی جامعه از میان برود. در حقیقت سیره حضرت مهدی علیه السلام در مقابله با دشمنان، همانند سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام است. ایشان در ابتدای امر تمام انسان‌ها حتی سرسخت‌ترین دشمنان مانند ناصبی‌ها را به حق دعوت می‌کند و در صورت مخالفت و عناد، با آنها مقابل خواهد کرد. در روایتی از امام باقر علیه السلام در توصیف سیره جهادی امام زمان علیه السلام چنین آمده است:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام عَرَضَ الْإِيمَانَ عَلَى كُلِّ نَاصِبٍ فَإِنْ دَخَلَ فِيهِ مَحَقِّقَةً وَإِلَّا صَرَبَ عُنُقَهُ أَوْ يُوَدِّي الْحُزْبِيَّةَ كَمَا يُوَدِّيهَا الْيَوْمَ أَهْلُ الدِّمَةِ...؛

چون قائم علیه السلام قیام کند، ایمان را به تمام ناصبی‌ها عرضه نماید. پس اگر واقعاً آن را پذیرفتند [در امانند] وگرنه آنها را گردن می‌زند، مگر این‌که مانند اهل ذمه که امروز جزیه می‌دهند، جزیه بپردازند. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۸، ۲۲۷؛ حر عاملی، ۱۴۲۵ق: ج ۵، ۶۳)

بر اساس روایات تفسیری مفاد آیه ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنَّ انْتِهَاءَ فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (انفال: ۳۹) بر قیام امام مهدی علیه السلام تطبیق داده شده است. مطابق این احادیث، زمان تحقق این آیه، ظهور امام مهدی علیه السلام خواهد بود که با ریشه‌کن ساختن بنیان شرک، توحید را در روی زمین، فراگیر و تثبیت خواهد نمود. (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳ش: ج ۹، ۱۰۹-۱۱۰) از نظر علامه طباطبایی، جمله ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً﴾ کنایه از این است که دشمنان با جنگ تضعیف شده و دیگر به کفر خود مغرور نشوند و دیگر فتنه‌ای که مؤمنان را مفتون سازد، برنینگیزند. در نتیجه دین همه‌اش از خدا باشد و کسی مردم را به خلاف آن دعوت نکند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۹، ۹۹) علامه مراد از «فتنه» در لسان آیه فوق و آیه ۱۹۳ سوره بقره را دانسته است و بر لزوم دعوت قبل از جنگ، تأکید می‌کند. چنان‌که آیات ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً... وَإِنْ تَوَلَّوْا فَاغْلَمُوا إِنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ نِعَمَ الْمَوْلَى وَ نِعَمَ النَّصِيرِ﴾ (انفال: ۳۹-۴۰) بر این امر تصریح دارد که باید مردم را پیش از جنگ، دعوت کرد؛ حال اگر دعوت را پذیرفتند که جنگی نیست و اگر دعوت را رد کردند آن زمان دیگر ولایتی ندارند، یعنی دیگر خدا که نعم‌الولی و نعم‌النصیر است، ولی و سرپرست ایشان نیست و دیگر یاریشان نمی‌کند، چون خدا تنها بندگان مؤمن خود را یاری می‌فرماید. هم‌چنین روشن است

که منظور از جنگ این است که دین برای خدا به تنهایی شود و جنگی که چنین هدفی دارد و تنها به این منظور صورت می‌گیرد؛ معنا ندارد بدون دعوت پیشین به دین حق که اساسش توحید است، آغاز شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۲، ۹۱)

بررسی‌ها نشان می‌دهد امام زمان علیه السلام پیش از پیروزی در جبهه نظامی در جبهه فرهنگی بر مخالفان فائق می‌آید. بنابراین برای پیروزی در جبهه نظامی کارایی شمشیر خیلی دور از ذهن نمی‌باشد. با توجه به آن که فکر و فرهنگ بشر در زمان حضور به اندازه‌ای تکامل پیدا می‌کند که امام نیاز به جنگ نداشته باشد، بلکه با عقل و استدلال و فرهنگ، مردم شیفته اسلام و رهبری شوند. اکثر مردم در ابتدا با موعظه و ارائه نشانه‌ها به امام ملحق می‌شوند و عده قلیلی که حق را می‌شنوند و از روی عناد نمی‌پذیرند، امام با آنها وارد جنگ می‌شوند و کار به قیام مسلحانه خواهد کشید. با این بیان به کارگیری شمشیر به ذهن تقریب می‌شود.

به دیگر بیان، اهداف منجی در گرو پیروزی در جبهه فرهنگی محقق خواهد شد. بنابراین با آماده شدن توده‌های مردم جهت پذیرش حکومت مهدوی، تنها سران استکبار و معاندان حق هستند که طعم مجازات و شمشیر امام را خواهند چشید.

قائلان به معنای غیرحقیقی شمشیر

این گروه بر این باورند از آن جا که حکومت منجی در آخرالزمان جهانی خواهد بود نیازمند ابزار مدرن می‌باشد در نتیجه قیام ایشان با یک ابزار ساده مثل شمشیر هم خوانی نخواهد داشت؛ از این رو می‌بایست معنایی غیر از معنای ظاهری آن در نظر گرفت و قیام مسلحانه را معنای شمشیر قلمداد کرد. در حقیقت این دسته از اندیشمندان روایات قیام به شمشیر را به تأویل می‌برند. قائلان به تأویل و نمادانگاری برای ادعای خویش دلایلی ذکر کرده‌اند که در این بخش به بررسی آنها پرداخته می‌شود.

۱. حمل بر مسلحانه بودن قیام

از آن جا که شمشیر مظهر نیروی رزمی و نظامی است؛ بنابراین در این دیدگاه روایات قیام به شمشیر به مسلحانه بودن قیام تأویل می‌شود. با توجه به رشد فوق‌العاده صنعت و تکنولوژی و تجهیزات مدرن و سیر تکاملی علوم بشری نمی‌توان واپس‌گرایی و ارتجاع علمی و ابزاری را باور کرد و معتقد شد که انسان عصر ظهور آن چنان گذشته‌گرا می‌گردد که همانند پیشینیان با شمشیر می‌جنگد. بر این اساس، برخی اندیشمندان معتقدند که «شمشیر» همیشه کنایه از

قدرت و نیروی نظامی بوده و هست؛ همان‌گونه که «قلم» کنایه از علم و فرهنگ است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۵۱) با توجه به این رویکرد نمادگرایانه، منظور از قیام مهدی علیه السلام به شمشیر، اتکا به قدرت نظامی است.

از سوی دیگر در جوامع روایی، حدیثی در منع بهره‌گیری امام مهدی علیه السلام از تکنولوژی‌های روز وجود ندارد، به عکس از احادیثی استفاده ایشان از تجهیزات مدرن قابل برداشت است. چنان‌که در روایتی از امام باقر علیه السلام چنین نقل شده است:

خداوند ذوالقرنین را میان دو ابرام و سرکش مخیر کرد و او ابرام را برگزید. برای صاحب شما [مهدی] نیز آن وسیله سرکش ذخیره شده است. راوی می‌پرسد: منظور از وسیله سرکش چیست؟ حضرت فرمود: ابرگونه‌ای است که در آن غرش رعد و شدت صاعقه یا برق است. او بر این وسیله سوار می‌شود. آگاه باشید او به زودی بر ابرها سوار می‌شود و به آسمان‌های هفت‌گانه صعود می‌کند. (صفار، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۴۰۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۳۲۱)

شاید منظور از ابر در روایت فوق، سوار شدن بر هواپیماهایی باشد که داری رعد و برق هستند و بر فراز ابرها بالا می‌روند. (علیزاده مالستانی، ۱۳۸۶: ۱۶۷) هم چنین ممکن است اشاره به مرکب‌های پیشرفته و فوق‌العاده سریع‌السیری باشد که در آسمان به صورت توده‌ای فشرده از ابر به نظر می‌رسد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۴۹)

در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام پیرامون علائم ظهور چنین نقل شده است:

هنگامی که کارها به دست صاحب این امر بیفتد، خداوند متعال همه پستی‌های زمین را بالا می‌آورد و همه بلندی‌های زمین را پایین می‌برد تا دنیا برای او مانند کف دستش باشد. پس کدام يك از شما اگر مویی در کف دستش باشد، او را نمی‌بیند؟ (نعمانی، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۶۷۴؛ حر عاملی، ۱۴۲۵ق: ج ۵، ۱۱۲)

از روایت فوق چنین برمی‌آید که در عصر قیام مهدی علیه السلام يك سیستم نیرومند و مجهز برای انتقال تصویرها به وجود می‌آید که شاید تصوّر آن هم امروز برای ما مشکل باشد، آن چنان که تمام جهان به منزله کف دست خواهد بود؛ نه موانع مرتفع و نه گودی زمین‌ها؛ مانع از رؤیت موجودات روی زمین نخواهد شد! (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۴۷)

در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام پیرامون نشانه‌های ظهور چنین آمده است:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَاسْتَعْنَى الْعِبَادُ مِنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَذَهَبَتِ

الْظُّلْمَةُ...؛

هنگامی که قائم ما قیام کند زمین به نور پروردگارش روشن می‌گردد و بندگان از نور آفتاب بی‌نیاز خواهند شد و تاریکی از میان خواهد رفت. (طبرسی، ۱۳۹۰: ۴۶۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۳۳۰)

از تعابیر فوق چنین بر می‌آید که مسئله نور و انرژی آن چنان حل می‌شود که در روز و شب از پر قدرت‌ترین نورها که می‌تواند جانشین نور آفتاب گردد، بهره‌گیری می‌کنند. بنابراین، تکامل علوم و صنایع به حدی خواهد رسید که مردم با رهبری آن رهبر بزرگ قادر به کشف منبع نور و انرژی فوق‌العاده‌ای که حتی می‌تواند جانشین نور خورشید گردد، می‌شوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۴۵-۲۴۶)

نمونه دیگری از پیشرفت‌ها در زمان حضرت مهدی علیه السلام که تا حدودی با وسایل ارتباط جمعی امروزی تطابق دارد، روایتی از امام صادق علیه السلام است که می‌فرماید:

مؤمن در روزگار قائم علیه السلام، در مشرق است و برادرش را در مغرب می‌بیند و همین‌گونه کسی که در مغرب است، برادرش را در مشرق می‌بیند. (حر عاملی، ۱۴۲۵ق: ج ۵، ۲۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۳۹۱)

در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام اوصافی از مرکب امام زمان علیه السلام شده است که به نوعی با تکنولوژی‌های جدید نظامی مطابق دارد؛ چنان‌که ایشان می‌فرمایند:

گویی قائم علیه السلام را بر بلندی کوفه می‌بینم که زره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را به تن کرده ... و براسی سیاه - که باریکه سفیدی در میان چشمانش است - نشسته است و اسب، او را حرکت می‌دهد و هیچ شهری نمی‌ماند، جز آن‌که اهلش می‌بینند که او (مهدی علیه السلام) همراه آنان و در شهرشان است... (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۳۲۸)

باید دقت نمود که تمامی این نشانه‌ها در زمان ظهور که از راه علل و اسباب مادی رخ می‌دهد همگی به مشیت الهی محقق می‌شود. در این میان، مشیت قاهره حق تعالی در مقاطعی با اسباب عادی و جریان‌های طبیعی و در مواضعی با اسباب غیرمتعارف و اعجازگونه تحقق می‌یابد؛ بی‌آن‌که مخالف با قوانین علی و معلولی باشد. برخی محققان ضمن باور به گسترش صنایع و تکنولوژی در عصر ظهور، جنبه اعجازین و غیر متعارف بودن نشانه‌ها را نفی کرده و همه آنها را به موازات تکامل و مبتنی بر پیشرفت جوامع در همه زمینه‌ها حتی نوع سلاح‌ها می‌دانند. از نظر آنها، «این‌گونه امور که با زندگی روزمره مردم سر و کار دارد بسیار بعید

است که بر پایه اعجاز صورت گیرد، بلکه باید از طرق اسباب عادی و طبعاً بر اساس پیشرفت علم و صنعت باشد... [بنابراین] در عصر انقلاب جهانی مهدی علیه السلام نه فقط مسئله عقب‌گرد صنعتی وجود ندارد، بلکه صنایع و تکنولوژی به طرز بی‌سابقه‌ای گسترش می‌یابد؛ ولی تنها در مسیر منافع انسان‌ها و تحقق بخشیدن به آرمان حق‌طلبان و آزادی خواهان و تشنگان حق و عدالت». (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۴۷-۲۴۸ و ۲۵۱)

در حقیقت با توجه به آن‌که پیامبران و اولیای الهی در انتقال معارف، موظف بودند تا با مردم به مقدار فهم آنان سخن بگویند (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۸۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۶۹)، پیرامون قیام حضرت نیز این‌گونه بیان شده است؛ یعنی میزان فهم مردم از ابزار جنگی را در نظر گرفته‌اند. در این میان، اختیارات و امکاناتی که خداوند به امام زمان علیه السلام داده، منحصر در پرچم، اسب، شمشیر و سایر نشانه‌ها نیست. به بیان دیگر، این روایات درصدد بیان نوع ابزارها و سلاح‌ها به‌ویژه شمشیر نیستند. بنابراین، قیام امام زمان علیه السلام با اسب و شمشیر، معنای کنایی دارد و به معنای قهر و سلطه است؛ چنان‌که مراد از «مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ» در آیه «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ» (انفال: ۶۰)، هر نوع سلاحی است که انسان به وسیله آن تقویت شود و بر دشمن غلبه یابد؛ خواه نیزه، خواه موشک و دیگر ابزار باشد. بنابراین اسب و شمشیر به‌ویژه‌ای خصوصیت ندارد.

در پاسخ به شبهه افکنان که از روایات قیام به شمشیر امام مهدی علیه السلام، خشونت افراطی همراه با خون‌ریزی و کشتار بسیاری از انسان‌ها را برداشت می‌کنند؛ باید گفت افزون بر نقش پررنگ غالیان و راویان ضعیف در انعکاس برخی روایات (دیاری بیدگلی و ملاحسنی، ۱۳۹۳: ۱۶۳)، سایر احادیث صحیح به برخورد قاطعانه حضرت با دشمنان حقیقی خداوند، به هنگام قیام اشاره دارد. حال آن‌که امام مهدی علیه السلام مانند جدشان، با دوستان خدا با رأفت و مهربانی برخورد می‌کند. بنابراین این روایات، بیانگر عدالت و قاطعیت امام در برخورد با مستکبران و معاندان است. در این میان، «نمی‌دانیم و نمی‌توانیم نوع این سلاح را نه از نظر مادی یا روانی بودن و نه از جهات دیگر تعیین کنیم؛ همین اندازه اجمالاً می‌توانیم بگوییم یک سلاح برتر خواهد بود و نیز می‌دانیم آن سلاح، سلاحی نیست که گناهکار و بیگناه را با هم نابود کند و پایه‌های عدالت آینده، بر ظلم و ستم امروز بگذارد». (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۴۵)

پرسشی که در مواجهه با دیدگاه فوق به ذهن می‌رسد آن است که آیا وقتی عقل نمی‌تواند

نوع سلاح را تشخیص دهد، در حکم به تأویل و نماد انگاری آن تواناست؟

۲. شمشیر میراثی برای شناسایی امام

یکی از دلایل قائلان به تأویلی بودن روایات قیام به شمشیر آن است که شمشیر به عنوان میراث امامت، ابزاری برای شناسایی امام بوده و بر بهره‌گیری آن در جنگ و مبارزه با دشمنان دلالت ندارد.

بر پایه روایات معتبری در جوامع حدیثی شیعه، یکی از میراث‌هایی که در اختیار ائمه علیهم‌السلام قرار گرفته، سلاح پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. این امانت که از آن به تابوت بنی‌اسرائیل تشبیه شده است، از هر امامی به جانشین او منتقل می‌شود. کثرت و اهمیت این روایات به حدی است که در برخی آثار مانند *بصائر الدرجات و کافی*، باب جداگانه‌ای به آن اختصاص یافته است. (صفار، ۱۴۰۴ق: ۱۷۴؛ کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۲۳۲-۲۳۸)

در برخی روایات نیز تمامی ائمه علیهم‌السلام افزون بر قائم به امر الهی بودن به عنوان صاحب سیف، توصیف شده‌اند؛ چنان که در روایتی حکم بن ابونعیم از امام باقر علیه‌السلام چنین می‌پرسد که شما قائم آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستید؟ امام می‌فرماید:

همه ما قائم به امر خدا هستیم. هم‌چنین در پرسش پیرامون این که شما مهدی هستید، می‌فرمایند: همه ما به سوی خدا هدایت می‌کنیم. در ادامه نیز چنین می‌پرسد: شما صاحب شمشیر هستید؟ امام در پاسخ می‌فرماید: همه ما صاحب شمشیر و وارث شمشیر (پیامبر) هستیم. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۵۳۶)

هم‌چنین ابو‌خدیجه از امام صادق علیه‌السلام پیرامون امام قائم علیه‌السلام می‌پرسد، حضرت می‌فرماید:

همه ما قائم به امر خداییم؛ یکی پس از دیگری تا زمانی که صاحب شمشیر بیاید، چون صاحب شمشیر آمد، دستوری غیر از آن چه (دستور به تقیه و صبر) بوده است، می‌آورد. (همان: ۵۳۷)

بسیار روشن است که تمام ائمه علیهم‌السلام به جنگ فیزیکی و قیام مسلحانه با دشمنان، اقدام نکرده‌اند. پس صاحب سیف بودن ملازم با نبرد با شمشیر نیست. بر این اساس، شمشیر تنها جنبه شناسایی داشته و لزوم به‌کارگیری آن در امر جهاد منتفی است. از سوی دیگر، برخی محققان بر این باورند که از مجموع روایات مربوط به اسلحه و میراث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم استفاده می‌شود که ائمه علیهم‌السلام و هم‌چنین شیعیان‌شان، آن را طریقی برای شناخت امام تلقی نکرده‌اند؛ بلکه تملک آن فقط نشانه صحت امامت مدعی بوده است؛ چنان‌که براساس برخی احادیث،

تملک ائمه علیهم السلام به گونه‌ای نبوده که کسی حتی خانواده امام آن را دیده باشند. (صفار، ۱۴۰۴ق: ۱۷۵-۱۷۶؛ کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۲۳۳) هم چنین تعبیر از تابوت عهد در روایات متعدد، تأییدی بر این مطلب است که این سلاح مانند تابوت بنی اسرائیل پنهان بود. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۲۳۸). بنابراین نه ائمه علیهم السلام سلاح را به کسی نشان داده‌اند و نه شیعیان چنین درخواستی از ائمه علیهم السلام داشته‌اند. از این رو برای شناخت امام از این راه استفاده نکرده‌اند. (صادقی کاشانی، ۱۳۹۴: ۶۲-۶۳)

بر مبنای تحلیل فوق، شاید امام زمان علیه السلام برای معرفی خویش از شمشیر به عنوان میراث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم استفاده نمایند. ناگفته پیداست نشانه بودن شمشیر برای حضرت زمانی متصور است که خصوصیت متمایز و معجزه‌گونه‌ای در آن جلوه‌گر باشد تا حقانیت ایشان بر همگان اثبات شود. با این حال با توجه به روایات و دیدگاه‌های متکلمان امامیه، شمشیر در کنار سه ویژگی قطعی نص، علم و کرامت در شناخت و تشخیص امام از مدعیان دروغین تأثیرگذار خواهد بود. حال آنکه نشان دادن شمشیر به تنهایی در اثبات امامت اثر چندانی نخواهد داشت. از این رو با این که روایات زیادی تصریح دارند اسلحه به عنوان میراث امامت از هر امامی به جانشین او منتقل می‌شود؛ به گواهی تاریخ راه تشخیص امام در تمام دوران‌ها بیشتر از طریق علم الهی و در ادامه معرفی ایشان توسط امامان پیشین صورت می‌گرفته و هیچ‌گاه امامان با نشان دادن شمشیر خود را برای شیعیان و مردم معرفی نکرده‌اند. برای نمونه امامی که در خردسالی پیچیده‌ترین مباحث را پاسخ می‌گوید، در این صورت اتمام حجت بر همگان می‌شود و نیازی به نشان دادن شمشیر نیست.

نکته پایانی آن که پیرامون روایات قیام به شمشیر، آیا افزون بر نشانه بودن و ابزاری برای شناسایی امام، نمی‌توان به ابزار جهاد نیز قائل شد؟ چنان چه پاسخ مثبت باشد نظریه حقیقی بودن شمشیر تقویت می‌شود.

جمع دیدگاه حقیقی و تأویلی

با دقت در دلایل قائلان به معنای حقیقی بودن سلاح امام زمان علیه السلام صراحت روایات است که مطابق آنها، حضرت با شمشیر قیام می‌کند. از سوی دیگر، با دقت در دلایل باورمندان به غیرحقیقی بودن درمی‌یابیم، آنها چون نمی‌توانند میان شمشیر و سلاح‌های مدرن نسبتی برقرار کنند، به تأویل روایات اقدام می‌کنند. حال آن که چنان که برخی محققان بیان داشته‌اند:

احادیث در این‌که مقصود از «السیف»، شمشیر خاصی همانند ذوالفقار است یا شمشیر معمولی و یا نمادی از قدرت نظامی و ابزار دفاعی، ساکت هستند. (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳: ج ۹، ۱۰۵)

در این میان، از آن‌جا که اثبات شمشیر به معنای نفی سلاح‌های دیگر نیست می‌توان میان مفهوم حقیقی و کنایی آن سازگاری برقرار کرد. بر این اساس، می‌توان احتمال داد که امام زمان علیه السلام در زمان قیام، برای شناسایی خویش از مدعیان دروغین از سلاح پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در کنار سایر ویژگی‌های قطعی تشخیص امامت مانند نص، علم و کرامت بهره می‌گیرد. این شمشیر نیز به مشیت الهی از اعجازی برخوردار است که تمام سلاح‌های مدرن را مقهور نیروی خود می‌سازد. چنان‌که اوصافی که در روایات از سلاح حضرت شده، شمشیر معمولی و عادی را به ذهن متبادر نمی‌کند، بلکه سلاحی بسیار نیرومند است که قابلیت شکافتن کوه را دارد. چنان‌که در حدیثی از امام صادق علیه السلام، درباره قدرت سلاح یاران امام زمان علیه السلام چنین آمده است:

هُنَّ سِوْفٌ مِنْ حَدِيدٍ غَيْرِ هَذَا الْحَدِيدِ، لَوْ ضَرَبَ أَحَدُهُمْ بِسَيْفِهِ جَبَلًا لَقَدَّهُ حَتَّى يَفْصِلَهُ؛
 آنان، شمشیرهایی را از آهن، نه این آهن [معمولی] دارند، آهنی که اگر یکی از آنان به
 کوهی بزند، آن را می‌دزد و جدا می‌کند. (صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ۴۹۱-۴۹۲؛ مجلسی،
 ۱۴۰۳: ج ۲۷، ۴۳)

از تعبیر «شمشیرهایی از آهن، نه از جنس آهن معمولی» به‌طور دقیق مشخص نیست که منظور چیزی محکم‌تر از آهن مثل فولاد مدنظر است یا آن‌که شمشیرهایی از جنس آهن غیرمتداول مراد است. هم‌چنین روشن نیست که سلاح مدرن دیگری اراده شده است و یا شمشیر ویژه‌ای است که به شکل اشعه مرموزی عمل می‌کند. طبیعی است که با توجه به سیطره و جهانی بودن قیام حضرت، ایشان از سلاحی بهره خواهند گرفت که فراتر از تجهیزات پیشرفته بشری باشد؛ به گونه‌ای که عقل همگان ضمن عاجز ماندن از تشخیص ماهیت آن، به برتری آن اذعان داشته و تسلیمش گردند. بر این پایه با توجه به این‌که پیامبران و ائمه علیهم السلام مأمور به سخن گفتن با مردم به قدر خردشان بوده‌اند؛ بعید نیست که به دلیل آن‌که مردم عصر صدور روایات، تصور امروزی از تکنولوژی نداشته‌اند؛ بنابراین به تعبیر از شمشیر بسنده شده است. با این حال در روایات، استفاده امام مهدی علیه السلام از تکنولوژی مدرن و پیشرفته به صراحت نفی نشده است. در مقابل، روایاتی بر بهره‌گیری ایشان از قدرت علمی و برخورداری از وسایل پیشرفته اشاره دارد که بیشتر به مواردی از آنها تصریح شد.

براساس نو به نو شدن مصادیق الفاظ، می‌توان به تفاوت مصداقی معین نزد مردم عصر صدور، با آن چه ائمه علیهم السلام در زمان قیام حضرت مهدی علیه السلام در نظر داشته‌اند، پی برد. بسیار روشن است که گذشت زمان، سبب تغییر مصادیق در هر سده‌ای می‌گردد. بنابراین توقف در مصادیق گذشته، روایات را از مصادیق جدید دور خواهد کرد. برخی محققان، با در نظر گرفتن تحلیل فوق لفظ «شمشیر» را نماد و کنایه‌ای از ابزار جنگی دوره ظهور دانسته‌اند و براساس آن برداشت‌های خشونت‌گرایانه از قیام امام زمان علیه السلام را نفی کرده‌اند. از نظر آنها، «مضمون مشترك احادیث «صاحب سیف»، بر کشتار به معنای خونریزی دلالت ندارند و اساساً از مفهوم لغوی و حتی عرفی صاحب سیف، نمی‌توان رویکرد خشونت‌گرایی و کشتار استفاده کرد؛ بلکه نمادی از قدرت نظامی یا ابزار دفاعی است که در عصر صدور حدیث، کاربرد خاص در این معنا داشته است و گرنه باید هر صاحب شمشیری را بتوان قاتل و خشونت‌گرا توصیف کرد. از این رو به نظر می‌آید «صاحب سیف» تعبیری کنایی از مجهز بودن ایشان به نیروی نظامی است برای دفاع و سرکوب افراد و گروه‌های آشوب‌طلب که از روی عناد و لجاجت، امنیت جامعه را برهم می‌زنند». (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳ش: ج ۹، ۱۰۶)

نتیجه‌گیری

براساس روایات، یگانه سلاح امام زمان علیه السلام هنگام قیام، شمشیر است. ایشان پس از بی‌تأثیری موعظه درباره برخی ستمگران، از این سلاح بهره می‌گیرد. صاحب شمشیر بودن حضرت نیز به برخورد قاطعانه ایشان با دشمنان حقیقی خداوند، در مراحل میانی قیام اشاره دارد نه خشونت‌گرایی و خونریزی بسیاری از انسان‌ها. اندیشمندان با دو نگره حقیقی و تأویلی بودن، روایات قیام به شمشیر را مورد تحلیل قرار داده‌اند. در این میان، در نظر باورمندان به حمل شمشیر بر معنای حقیقی، امام بدون آن‌که از تجهیزات مدرن نظامی که روح حاکم بر آن منفعت‌طلبی و سیطره بر انسان‌هاست، همانند سیره جدشان با مشیت الهی و به واسطه امدادهای غیبی، بر دشمنان پیروز می‌شود. چنان‌که در شمشیر ایشان قدرت اعجازگونه نهفته است که تمام سلاح‌های جباران و بدکاران را از کار می‌اندازد. در مقابل، قائلان به معنای غیرحقیقی، شمشیر را کنایه از قدرت و نیروی نظامی می‌دانند. در نظر آنها با توجه به پیشرفت فوق‌العاده صنعت و تکنولوژی نمی‌توان پذیرفت که در عصر ظهور، امام دچار واپس‌گرایی شده و مانند گذشتگان با شمشیر بجنگد. از سوی دیگر، براساس روایات شمشیر میراثی برای

شناسایی امام بوده و بر بهره‌گیری آن در جنگ با دشمنان دلالت ندارد. با دقت در دلایل هر دو گروه درمی‌یابیم جمع مفهوم حقیقی و تأویلی بودن قیام به شمشیر امکان‌پذیر است؛ به این صورت که حضرت مهدی علیه السلام در زمان قیام، برای شناسایی خویش از مدعیان دروغین از سلاح پیامبر صلی الله علیه و آله در کنار سایر ویژگی‌های قطعی تشخیص امامت بهره می‌گیرد. این شمشیر نیز به اراده الهی برخوردار از قدرتی اعجازین است که تمام سلاح‌های پیشرفته را تسلیم خود می‌سازد. از سوی دیگر، با توجه به این که گذشت زمان، موجب تغییر مصادیق در هر دوره‌ای می‌شود، می‌توان لفظ شمشیر را نماد و کنایه‌ای از ابزار جنگی دوره ظهور دانست، هرچند عقل بشری از تشخیص ماهیت آن عاجز است. شاهد این مدعا روایاتی است که شمشیر حضرت را با اوصافی فراتر از تصور معمولی به تصویر می‌کشد. از دیگر سو، در احادیث ضمن آن که در بهره‌گیری امام زمان علیه السلام از تکنولوژی‌های مدرن منعی وجود ندارد. در مقابل، از روایاتی استفاده ایشان از تجهیزات روز قابل برداشت است.

منابع

قرآن کریم

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفی، ۱۴۰۴ق.
- ابن ابی زینب (نعمانی)، محمد بن ابراهیم، الغيبة، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: صدوق، ۱۳۹۷ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ق.
- _____، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
- _____، کمال الدین و تمام النعمة، تهران: اسلامیة، ۱۳۹۵ق.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، نجف: دارالمرتضویه، ۱۳۵۶.
- اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمة فی معرفة الاثمة، تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
- بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه بعثة، ۱۳۷۴.
- حر عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بیروت: اعلمی، ۱۴۲۵ق.
- حلّی، حسن بن سلیمان، مختصر البصائر، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۲۱ق.
- حیدری کاشانی، حسین، حکومت عدل گسترد دست مهدی منتظر، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۹.
- دیاری بیگدلی، محمدتقی؛ ملاحسنی، داود، روایات «خسونت مهدوی» در بوته نقد، فصل نامه پژوهش های مهدوی، سال ۲، شماره ۸، ۱۳۹۳.
- سلیمیان، خدامراد، فرهنگ نامه مهدویت، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۹۲.
- صادقی کاشانی، مصطفی، شیوه های تشخیص امام در عصر حضور، پژوهش نامه امامیه، سال ۱، شماره ۲، ۱۳۹۴.
- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
- طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
- طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه گروهی از محققان، تهران:

- انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰.
- _____، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۰ ق.
- طوسی، محمدبن حسن، *الامالی*، قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴ ق.
- علیزاده مالستانی، عزیزالله، «چگونگی پیروزی امام زمان علیه السلام»، *فصل نامه انتظار موعود*، شماره ۲۱، ۱۳۸۶.
- عیاشی، محمدبن مسعود، *تفسیر العیاشی*، تهران: المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ ق.
- کلینی، محمدبن یعقوب، *الکافی*، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الأنوار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- محمدی ری شهری، محمد، *دانش نامه امام مهدی علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ*، ترجمه عبدالهادی مسعودی، قم: سازمان چاپ و نشر موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، ۱۳۹۳ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، *حکومت جهانی مهدی علیه السلام*، قم: نسل جوان، ۱۳۸۶.